

بمناسبت ۲۲ آپریل سالروز تولد لنین

به زنان و مردان کارگر کارخانه تورنتون

زنان و مردان کارگر کارخانه تورنتون!

روزهای ششم و هفتم نوامبر برای همه ما روزهایی فراموش نشدنی هستند. زیرا در این روزها بافندگان با مقاومت پیگیرانه خود در مقابل فشار کارفرمایان ثابت کردند که در میان ما در لحظات دشوار هنوز هستند کسانی که از منافع مشترک ما کارگران دفاع می کنند. آنان نشان دادند که این کارفرمایان محترم هنوز موفق نشده اند ما را به بردگانی بیچاره برای پر کردن جیبهای گشادشان تبدیل کنند.

رفقا بیائید تا به آخر محکم و استوار بایستیم و به یاد داشته باشیم که تنها از طریق کوششهای متشکل و مشترک می توانیم شرایط زندگی مان را بهبود بخشیم، و مهم تر از همه، رفقا باید مراقب باشیم که با سر به درون دامی نیفتیم که آقایان تورنتون با حيله گریهای بسیار بر سر راهمان گسترده اند. استدلال این آقایان چنین است:

وضع بازار چندان خوب نیست، از اینرو اگر ما بخواهیم شرایط پیشین کار را حفظ کنیم دیگر نمی توانیم همانقدر سود ببریم که قبلا می بردیم و به هیچ وجه هم حاضر نیستیم به سود کمتری تن در دهیم.

... بنابراین ما مجبوریم کارگران را تحت فشار بیشتری قرار دهیم. بگذار این کارگران باشند که بار هزینه های سنگین را متحمل شوند ... ولی این امر نباید به شیوه های قبلی بلکه با هشیاری و زیرکی تمام باید صورت بگیرد تا کارگران ساده لوح نفهمند که چه لقمه چرب و نرمی را برایشان تدارک دیده ایم. اگر بخواهیم این برنامه را یکباره در مورد تمام کارگران اعمال و اجرا کنیم موجب شورش یکپارچه آنها می شویم. پس اول خدمت بافنده های بیچاره می رسیم بعد بقیه کارگران در دسری ایجاد نخواهند کرد (راه فراری ندارند). ما عادت نداریم در رفتار با کارگران برای خود محدودیتی قائل شویم. تازه چرا اینکار را بکنیم؟

از اینرو کارفرمایان که سخت علاقه مند به رفاه حال کارگران هستند می خواهند به تدریج و مداوماً شرایطی را که قبلا به بافندگان تحمیل کرده بودند به کارگران تمام بخشها نیز تحمیل کنند ... به این دلیل است که اگر نسبت به سرنوشت بافندگان بی تفاوت بمانیم با دست خودمان چاهی را کنده ایم که با سر به درون آن پرتاب خواهیم شد.

به تازگی درآمد بافنده ها (اگر بخواهیم درآمدها را به رقم صحیح حساب کنیم) حدود سه روبل و پنجاه کویک در هفته است و در طول همین مدت خانواده های ۷ نفری با درآمد ۵ روبل با دشواری تمام امرار معاش کرده اند و خانواده هایی مرکب از پدر و مادر و يك فرزند تنها با ۲ روبل سر کرده اند. آنان حتی تا آخرین

تکه پاره های لباسشان را فروختند و آخرین شاهی های پولشان را که محصول کار جهنمی و طاقت فرسایشان است خرج کردند در حالی که ولی نعمتهایشان، صاحبان تورنتون، در همان مدت میلیونها روبل بر ثروتشان افزوده می شد. اخراج کارگرانی که کارشان را از دست می دهند و قربانی حرص و آز سرمایه داران می شوند و در مقابل چشم دیگران به خیابانها رانده می شوند، فشاری که با سنگدلی تمام مداوماً افزایش می یابد، این جریان را تکمیل می کند ...

آنان بدون هیچگونه توضیحی شروع به مخلوط کردن کرک با پشم کردند که سرعت کار را به نحو وحشتناکی کاهش می دهد بطوری که کارگران برای گرفتن تارها باید وقت زیادی صرف کنند. و بالاخره کارفرمایان بدون سر و صدا مدت کار را برای تولید کوتاه کردند. اکنون بجای ۹ اسکیمتس تنها می توان ۵ Schmitz تولید کرد. و کارگران مجبورند برای چیدن و بافتن انرژی بیشتری صرف کنند و اعصاب خود را بیشتر فرسوده کنند و بطوری که همه آگاهند در ازای این امر حتی يك كوپك هم پرداخت نمی شود. آنها می خواهند اعصاب بافندگان ما را فرسوده کنند، رقم ۱ روبل و ۶۲ كوپك در ازای دو هفته کار که به تازگی در دفترهای مزد کارگران پدیدار شده ممکن است در آینده نزدیک در تمام بخشهای بافندگی رایج شود. رفقا! آیا شما هم می خواهید که این لطف آقایان کارفرما شامل حال شما هم بشود؟ اگر نمی خواهید و اگر قلبهایتان در مقابل رنج توده های فقیری مثل خودتان به سنگ تبدیل نشده است محکم و استوار در اطراف بافندگان حلقه بزنید و بیائید خواستهای مشترکمان را مطرح کنیم و در هر موقعیت مناسبی برای بهبود شرایط زندگی مان با سرکوبگران خود مبارزه کنیم.

کارگران بخشهای ریسندگی! گول افزایش مداوم و تدریجی درآمدها را نخورید ... تازه ۲/۳ کارگران ریسندگی را از کار اخراج کرده اند و افزایش مزد شما به قیمت گرسنگی آنان تمام شده است. درک این حیلۀ مزورانه کارفرمایان چندان دشوار نخواهد بود اگر شما حساب کنید قبلاً درآمد بخش بافندگی چقدر بوده و حالا چقدر است. کارگران بخش جدید رنگرزی! شما در ازای ۱۴ و ربع ساعت کار روزانه تنها ۱۲ روبل در ماه می گیرید در حالی که از پای تا سر به بخار مسموم و کشنده رنگ آغشته گشته اید. به خواسته های ما توجه کنید!

ما خواستار پایان بخشیدن به کسور غیرقانونی ای هستیم که در مقابل عدم کارایی سرپرست از شما اخذ می شود! زحمتکشان و کلیۀ کارگران ساده! آیا واقعاً شما انتظار دارید ۶۰ تا ۸۰ كوپك در روز بگیرید در حالیکه بافندگان ماهر مجبورند با روزی ۲۰ كوپك امرار معاش کنند؟ رفقا چشمتان را به روی واقعیت نبندید. این طعمه ای را که کارفرمایان بر سر راهتان نهاده اند نبلعید، صفوف خود را فشرده تر سازید وگرنه زمستان بدی در پیش خواهیم داشت. ما باید با چشمانی باز مراقب مانورهای کارفرمایان که صرفاً هدفشان پائین آوردن مزدهاست، باشیم. و در مقابل هر نوع گزاشی در این جهت که متضمن خانه خرابی ماست، شدیداً مقاومت کنیم ... به آه و ناله آنان در مورد خرابی اوضاع توجه نکنیم: منظور آنان از خرابی اوضاع تنها سود کمتر است در حالیکه برای ما خرابی اوضاع به معنای

قحطی و رنج خانواده هایمان است که از کوچکترین تکه نان بیات نیز محرومند. آیا این دو قابل ملاحظه اند؟ آنان پیش از هر چیز فشار را روی بافندگان متمرکز کرده اند.

خواسته های ما به شرح زیر است:

۱- افزایش مزد بافنده ها به سطح مزدهای بهار یعنی حدود ۶ کویک برای هر Schmitz.

۲- بافندگان مشمول این قانون بشوند که می گوید میزان مزد قبل از شروع کار به کارگران اعلام گردد. و نرخ مزدها که به امضای بازرس کارخانه رسیده است تنها منحصر به روی کاغذ نباشد بلکه طبق قانون صورت واقعی به خود بگیرد. مثلا در مورد بافندگی، نرخها باید شامل اطلاعاتی درباره کیفیت پشم، میزان زوائد و کرکهای موجود در آن، تخمینی در مورد مدت زمان لازم برای کارهای مقدماتی باشد.

۳- زمان کار باید طوری تنظیم شود که ما بدون اینکه مقصر باشیم، بیکار نمانیم. مثلا الان کارها طوری ترتیب داده شده که برای هر قطعه يك روز کار صرف تارها می شود از اینرو قطعات تولید شده نصف قطعات قبلی از آب درمی آیند و بافندگان با در نظر نگرفتن و عدم رعایت نرخ مزدها خسارت دو گانه ای را متحمل می شوند. اگر کارفرمایان می خواهند از مزد ما بزدند بگذارید آشکارا این کار را بکنند تا کاملا روشن شود که آنان چگونه ما را می دوشند.

۴- بازرسان کارخانه باید مراقبت کنند تا تقابلی در مورد نرخ مزدها رخ ندهد بطوری که نرخ دو گانه ای وجود نداشته باشد یعنی مثلا لیست نرخ مزدها شامل دو نرخ متفاوت برای تولید يك جنس که دو نام متفاوت دارند، نباشد. مثلا ما برای بافتن پارچه «بای بر» ۴ روبل و ۳۲ کویک می گیریم در حالی که برای پارچه «اورال» ۴ روبل و ۱۴ کویک. و ما می دانیم که برای تولید این دو پارچه به يك میزان انرژی، به يك میزان وقت، صرف می شود.

تازه حيله گری بی شرمانه تر اینکه برای کالاهائی با يك اسم، دو نرخ متفاوت می گذارند. این طریقی است که آقایان تورنتون از زیر بار «قانون جرائم» شانه خالی می کنند. این قانون خاطر نشان می سازد تنها جریمه به کارگری تعلق می گیرد که در اثر بی مبالائی وی خسارتی به کار وارد ساخته است و این کسر مزد باید حداکثر ۳ روز پس از تعیین جریمه در دفتر پرداخت مزد در ستون جرائم ثبت گردد. همچنین باید گزارش دقیقی از تمام جرائم تهیه و نگهداری شود. وجوه جرائم باید بجای سرازیر شدن به جیب کارفرما صرف برآوردن نیاز مندیهای کارگران کارخانه مربوطه بشود.

و اما درباره خودمان. بیائید نگاهی به دفترچه هایمان بیاندازیم. در هیچ جای آن اثری از ارقام جریمه نیست و آدم تصور می کند که چقدر کارفرمایان ما مهربان هستند. آنان با استفاده از عدم آگاهی ما از زیر قانون درمی روند و عملا اوضاع را به نفع خود رو به راه می کنند. می بینید رفاقا هیچ کس جریمه نشده اما از مزد ما کم می شود. در آنجا که دو نرخ است يك نرخ کمتر و يك نرخ بیشتر، همیشه

نرخ کمتر پرداخت می شود و هیچ جای شکایتی هم نیست. آنان همچنان به کم کردن مزدهای ما و از این راه به افزایش درآمد خود ادامه می دهند.

۵- علاوه بر آنکه باید نرخ واحد مقرر گردد، هر نوع کسور باید در ستون جرایم با ذکر دلیل جریمه ثبت شود.

به این ترتیب جرایم ناحق آشکار می شود و کار مفت کمتری از ما کشیده می شود و حوادث ناخوشایند کمتری رخ می دهد. مثلاً در بخش رنگریزی مزد کارگران به حساب عدم کارآیی سرپرست بدون مجوز قانونی کسر می شود و در حالیکه هیچ گونه دلیل قانونی ای به نام بی مبالاتی کارگران برای کسور از مزدها وجود ندارد. آیا تا به حال از مزد ما بخاطر گناهی که مرتکب نشده ایم کسر نشده است؟

۶- ما خواهان این هستیم که حق مسکن به سطح قبل از سال ۱۸۹۱ برسد. یعنی يك روبل برای هر نفر در ماه. زیرا درآمد ما به حدی پائین است که ما قادر به پرداخت ۲ روبل در ماه نیستیم و تازه برای چه ۲ روبل بپردازیم؟ آیا لانه های کثیف، شلوغ و بد بو که دائماً در معرض آتش سوزی قرار دارند ارزش ۲ روبل در ماه را دارند؟ رفقا فراموش نکنید که نرخ يك روبل در ماه در سراسر پترزبورگ نرخ متداولی نیست. فقط این اربابان با ملاحظه ما هستند که نمی توانند به این مبلغ رضایت دهند. از اینرو ما باید آنان را وادار سازیم تا از حرص و طمع خود بکاهند.

در دفاع از این خواسته ها ما قصد طغیان نداریم، و ما صرفاً می خواهیم آنچه را که سایر کارگران کارخانه ها بر طبق قانون به دست آورده اند، به دست بیاوریم. ما می خواهیم حق مان را از آن کسانی بازستانیم که تمام امیدشان این است که ما قادر به دفاع از حقوقمان نیستیم. بیائید به آنان نشان دهیم که سخت در اشتباهند.

تقریر و انتشار به سال ۱۸۹۵

مجموعه آثار لنین، جلد ۲

تکثیر از:

کمونیه های انقلابی

<http://www.k-en.com>

info@k-en.com